

امکان تدوین علوم انسانی اسلامی با توجه به حیثیت کشف خبر واحد

علیرضا خسروی کارشک^۵

سید محمدحسن موسوی مهر^۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

چکیده

تدوین «علوم انسانی اسلامی» از مباحث مهمی است که مورد تحقیق اندیشمندان مختلف قرار گرفته است. برای تدوین چنین علمی علاوه بر احکام فقهی نیاز به حقائق معرفتی دین می‌باشد. به همین دلیل باید اعتبار خبر واحد در هر دو حیطه مورد بررسی قرار گیرد. علمای اصول، اعتبار خبر واحد در محدوده‌ی احکام را اثبات کرده‌اند اما آنچه مورد مناقشه می‌باشد؛ اعتبار خبر واحد در حیطه حقائق است که ادله‌ی موافقین و مخالفین ذیل مباحث حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام بیان شده است. از آنجا که مجتهد، در علوم انسانی اسلامی همانند تفسیر و کلام به دنبال کشف از واقع می‌باشد. می‌توان استدلال‌های مطرح شده در این زمینه را به بحث علوم انسانی نیز تعمیم داد اما آنچه لازم است مورد توجه قرار گیرد آن است که اعتبار خبر واحد از منظر حکایت‌گری و کشف از واقع نیز بررسی شود. چرا که بیشتر استدلال‌های مطرح شده در رابطه با اعتبار خبر واحد در علوم اسلامی ناظر به حجیت به معنای منجزیت و معذرت بوده و این مسئله اگرچه برای تدوین یک علم لازم است ولی کافی نیست. بنابراین باید اعتبار خبر از جهت کشف از واقع نیز مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد. در این مقاله که به روش تحلیلی توصیفی کار شده است؛ به این موضوع پرداخته شده و در نهایت، ویژگی‌های خبر واحد نشان می‌دهد که اعتبار آن در

^۵ دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه مشهد.

^۶ استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان.

تدوین علوم اسلامی قابل اثبات می‌باشد. همچنین پس از نتیجه‌گیری به چند پیشنهاد تحقیقاتی اشاره شده است.

کلیدواژگان: علم دینی، علوم انسانی اسلامی، حجیت خبر واحد در علوم انسانی، کاشفیت خبر واحد، زبان دین

مقدمه

تدوین «علوم انسانی اسلامی» از مباحث چالش برانگیزی است که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، مباحث جدی‌ای را در محافل علمی به خود اختصاص داده است. ناگفته پیداست که ساز و کار یک جامعه اسلامی و همچنین پرورش نیروهای انسانی متناسب با آن، جز از طریق معارف همسو با جهان‌بینی اسلامی امکان پذیر نیست. به همین دلیل تا زمانی که هریک از این دو مهم - حتی الامکان - به مبانی اسلامی نزدیک نشوند؛ در بازدهی حکومت اسلامی، اشکالات و خلأهای زیادی مشاهده خواهد شد.

یکی از گام‌های اولیه برای تدوین «نظامات اسلامی» و «پرورش نیروهای انسانی»، تدوین «علوم انسانی اسلامی» می‌باشد که طی سال‌های پس از انقلاب در این زمینه بحث‌های گوناگونی شکل گرفته است. هریک از این بحث‌ها به جنبه‌ای از مسئله پرداخته‌اند. برخی منکر اسلامی شدن علوم هستند و برخی دیگر مدعی هستند که علم اگر علم باشد، حتماً الهی و اسلامی است. پژوهش پیش رو، علوم اسلامی را علمی در نظر گرفته است که منابع دینی (منابع دینی در استنباطات فقهی شامل قرآن، سنت، عقل و اجماع می‌باشد اما می‌توان که در تدوین علوم انسانی اسلامی، این قرآن و سنت هستند که مهم‌ترین نقش را ایفاء می‌کنند.) در تکوین آن علم - از فرضیه تا نظریه - نقش اساسی ایفا کنند. گفتنی است که برای تدوین چنین علمی اگرچه نیاز به احکام فقهی می‌باشد؛ اما حیطة نقش آفرینی منابع دینی صرفاً محدود به احکام (بایدها و نبایدها) نمی‌شود بلکه لازم است از حقائق (هست و نیست‌ها) و تفاسیری که شارع مقدس از جهان هستی ارائه داده است؛ بهره جست.

طرح بحث

برای استنباطات فقهی می‌توان از ادله متعددی بهره جست که یکی از مهم‌ترین ادله‌ی استفاده شده در فقه، خبر واحد می‌باشد. لذا مسئله حجیت خبر واحد از مسائل مورد بحث فقها

در اصول فقه می‌باشد. همین موضوع در رابطه با استنباط علوم انسانی اسلامی نیز وجود دارد و باید خبر واحد و ظرفیت‌های آن در تدوین علوم انسانی مورد بحث قرار بگیرد. سؤالاتی از قبیل اینک:

واقع‌نمایی در خبر واحد، چه اهمیتی در استخراج علوم انسانی دارد؟

به غیر از خبر واحد، چه امارات دیگری دارای حیثیت کشف هستند و کدام‌یک از آن‌ها

می‌تواند برای استخراج نظام علمی اسلامی، مورد استفاده قرار بگیرد؟

در چه صورتی تطوّر معانی کلمات، باعث خلل در فهم این نظام علمی نمی‌شود؟

آیا برای فهم معانی کلمات، باید به روش‌های جدید معنا یابی، مانند پیدا کردن روح

معانی کلمات متصل شد؟ یا همان روش‌های موجود در استنباط فقهی کافی است؟

آیا معنای حجیت خبر واحد در علوم انسانی به همان معنای حجیت خبر واحد در فقه

می‌باشد؟

به نظر می‌رسد برای شکل‌گیری علوم اسلامی هر یک از سؤالات فوق، جای طرح و

بررسی داشته باشند. ممکن است در نظر اول، جواب برخی از این سؤالات آسان باشد اما لازم

است نسبت آن‌ها با تدوین علوم انسانی مشخص بشود تا بتوان با دیدی روشن‌تر به مسئله تدوین

«علم اسلامی» نگریست.

محل نزاع

به غیر از مباحث «علم اسلامی»، مباحثی در زمینه‌ی «علم دینی» بین دانشمندان غربی

وجود داشته است؛ که می‌توان رد پای این مطالب را با عناوینی همچون علم و دین (religion

and science) در پایگاه‌های علمی جست‌وجو کرد. آنچه لازم به ذکر است آن است که اغلب

مباحث مطرح شده در محافل غربی، ناظر به زبان سایر ادیان و تفسیر خاصی است که کلیسا از

کتاب مقدس ارائه کرده است. (ذاکری و خدا بخشیان ۱۳۹۳) از این رو بسیاری از مشکلاتی که

غریبان به امکان تدوین علوم دینی وارد می‌کنند؛ از محل بحث این مقاله خارج بوده و تمرکز این پژوهش بر روی نظرات اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. لذا پژوهش پیش رو، رسالت اصلی خود را پاسخ به این پرسش اساسی می‌داند: «آیا ماهیت خیر واحد به گونه‌ای هست که بتوان علوم انسانی اسلامی را از منابع دینی استخراج کرد؟»

مفروضات مسئله

شکی نیست که برای تدوین یک علم اسلامی، باید به سؤالات متعددی پاسخ داد. برخی از این سؤالات رتبه‌ای مقدم بر پرسش محوری این مقاله دارند؛ از قبیل:

آیا شارع مقدس قصد بیان گزاره‌هایی را داشته است که بتوان از میان آن‌ها، علمی نظیر روانشناسی اسلامی، تربیت اسلامی، اقتصاد اسلامی و ... را در عصر غیبت استخراج کرد؟ یا این کار پس از ظهور حضرت حجت (عج) ممکن خواهد بود؟

اگرچه گزاره‌های موجود در منابع دینی، برای استخراج احکام (اعم از حکم واقعی و ظاهری) همه مسائل کافی است ولی سؤال اینجاست که آیا معارف موجود در این منابع برای پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین همه علوم انسانی یا دسته کم برخی از این علوم کافی است؟ اگر این گزاره‌ها به‌طور کامل بیان شده باشند؛ آیا همان‌طور هم کامل به ما رسیده‌اند؟ یا در اثر وقایعی مانند کتاب سوزی و جنگ‌ها از بین رفته‌اند؟

و سؤالاتی مشابهی که مورد نزاع اندیشمندان مختلف قرار گرفته است اما پژوهش پیش رو متمرکز بر سؤال اساسی خود پیش خواهد رفت و وجود گزاره‌های کافی برای تدوین یک علم را، از اصول موضوعه (قضایا و مبادی‌ای که در یک علم به‌خودی‌خود روشن و ثابت شده نیستند اما با خوش‌بینی مسلم و پذیرفته شده در نظر گرفته می‌شوند. (تهانوی ۱۹۹۶، ج ۱: ۲۱۵)) خود در نظر می‌گیرد. از این رو پاسخ چنین سؤالاتی به پژوهش‌های دیگر موکول شده است.

تاریخچه

چینش منطقی تاریخچه‌ی این موضوع، به این گونه است که از عنوان عام «امکان تدوین علوم اسلامی» شروع می‌شود و سپس مرحله به مرحله عناوین جزئی‌تری مثل «حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام» و «حجیت خبر واحد در علوم اسلامی» را شامل می‌شود. اشاره به مرحله اول، از آن جهت است که برخی اشکالات مطرح شده در آن، به حیث زبان دین باز می‌گردد. پرداختن به مرحله دوم از آن جهت است که محققان علوم اسلامی، بحث حجیت خبر واحد در «علوم انسانی» و «تفسیر و کلام» را از یک سنخ دانسته‌اند. (عرب صالحی ۱۳۹۳) لذا بسیاری از مباحث مربوط به خبر واحد در تفسیر و کلام، قابلیت طرح شدن در این مقاله را دارا می‌باشد. از این رو مختصراً به برخی تحقیقات مرتبط با هر عنوان، اشاره خواهد شد:

امکان تدوین علوم انسانی

حیدری در مقاله‌ای به نقد نظریات موافقین و مخالفین علوم انسانی اسلامی پرداخته است. او در این میان نظریات آیت‌الله جوادی آملی، مصطفی ملکیان و خسرو باقری را مطرح می‌کند و در نهایت نتیجه می‌گیرد که اگرچه امکان تدوین این علوم منتفی نیست ولی آنچه امروز می‌تواند ثابت کند که آیا چنین علومی تدوین شدنی هستند یا خیر، تلاش آکادمیک و تولید محتوی علمی است. چرا که تاکنون ایده پردازان علوم انسانی اسلامی نتوانسته‌اند تجربه‌ای موفق در این زمینه را خلق کنند. جز نمونه‌های اندکی از قبیل «اقتصاد ما» نوشته شهید صدر. (حیدری ۱۳۹۷) در این مقاله اشکالی از ملکیان نقل می‌شود با این مضمون که اگر علمی از منابع شیعه تدوین شود؛ آن علم قابلیت استفاده برای سایر جهانیان و حتی سایر مسلمانان را نخواهد داشت. از آنجا که چنین اشکالاتی از طریق حیثیت کشف خبر واحد قابل دفع می‌باشد؛ طرح این گونه مقالات نیز در تاریخچه بحث، شایسته به نظر می‌رسد.

حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام

گوهری بخشایشی و رضایی به بررسی نظریات اصولیون، متکلمین و مفسرین در رابطه با اثبات مسائل کلامی به وسیله خبر ثقه پرداخته‌اند. سپس نتیجه‌گیری می‌کنند که ادله مخالفین حجیت خبر ثقه، از جهات متعددی قابل نقد بوده و در طرف مقابل، ادله موافقین از استواری برخوردار است. (رضایی و گوهری بخشایش ۱۳۹۲)

شاکرین مقاله‌ای انتقادی برای رد حجیت خبر ثقه در کلام، نوشته است. وی درجات اعتبار معرفت در عقاید را به سه دسته‌ی علم‌گرایی، ظن‌بستگی و تفصیل میان اصول عقاید و فروع اعتقادی تقسیم می‌کند. سپس ادله شیخ محمد سند را که قائل به تفصیل بین اصول عقاید و فروع آن بوده است را بررسی و نقد می‌کند. او مشکل اساسی این ادله را آن می‌داند که به لحاظ ثبوتی نمی‌توان حجیت خبر واحد (حجیت به معنای منتهی دانستن معنایی خلاف مؤدی خبر) در عقاید را پذیرفت چرا که برای اعتقاد، نیاز به علم است و نه ظن و تعبد. از منظر او به لحاظ اثباتی نیز دلیل تامی در کتاب و سنت برای اثبات مدعا وجود ندارد؛ بلکه می‌توان بر اساس کتاب و سنت، حجیت ظن در عقاید را مردود دانست. همچنین سیره عقلا دلالتی بر اعتبار خبر واحد به ما هو خبر واحد نمی‌کند لذا نمی‌توان اعتبار تعبدی خبر را در فروع کلامی ثابت کرد. از این رو، اگرچه می‌توان اعتبار خبر اطمینانی را در عقاید پذیرفت ولی مراتب پایین‌تر از آن، فاقد اعتبار خواهند بود و تنها می‌توان در برخی از لوازم عملی آن‌ها، قائل به رجحان احتیاط بود. (شاکرین ۱۳۹۴)

محمدی به بررسی ادله علامه طباطبایی بر عدم اعتبار خبر واحد در تفسیر پرداخته است. او در مقاله خود به دو دیدگاه متهافت علامه طباطبایی در حاشیه کفایه و المیزان اشاره می‌کند و با توجه به تأخر زمانی نگارش المیزان نسبت به اتمام حاشیه کفایه، نظر نهایی ایشان را همان عدم

اعتبار خبر واحد در تفسیر می‌داند. سپس ادله‌ای که از نظرات علامه طباطبایی اصطیاد شده است را بیان و نقد می‌کند. در نهایت نتیجه می‌گیرد که هیچ‌یک از ادله علامه، تمام نیستند زیرا اعتبار خبر واحد را بناء عقلا ثابت می‌کند و عقلا بین خبر فقهی و خبر غیر فقهی تمایزی قائل نیستند. همچنین علم معتبر در تفسیر، به معنای علم منطقی نیست. علاوه بر اینکه اعتبار خبر، به معنای پذیرش بی‌چون و چرای آن نیست بلکه مراد آن است که بتوان آن دسته از اخباری که فاقد قرینه بر صدق و کذب هستند را در کنار سایر ادله قرار داد و جرح و تعدیل کرد. لذا خبر ضعیف و مخالف عقل از محل بحث خارج‌اند. (محمدی ۱۳۹۴)

حجیت خبر واحد در علوم اسلامی

داودی و حبیبی حجیت خبر واحد را برای استنباط یک نظام اخلاقی و تربیتی بررسی کرده‌اند. آن‌ها نگاه اصولیون به حجیت خبر واحد را مطرح می‌کنند. (این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از: عدم حجیت خبر واحد، حجیت خبر واحد در صورت وثوق به سند با توجه به عدالت روای یا وثاقت راوی، حجیت خبر واحد در صورت وثوق به صدور) و سپس به دسته‌بندی اقسام خبر واحد می‌پردازند. آن‌ها مدعی هستند که اگر گزاره‌های اخلاقی موجود در منابع دینی، به گزاره‌های توصیفی و انشائی تقسیم شود. بخش قابل توجهی از گزاره‌های توصیفی مستفیض هستند و لذا این گزاره‌ها، کاربرد قابل توجهی در استنباط گزاره‌های اخلاقی دارند به‌ویژه در استنباط مبانی اخلاقی. همچنین اگر مبنای فقیه در حجیت خبر واحد، وثوق به صدور باشد؛ سایر گزاره‌های توصیفی غیر مستفیض هم قابلیت استفاده را خواهند داشت. آن‌ها یادآور می‌شوند که سنخ برخی از گزاره‌های تربیتی، ارشادی است و لذا عقل می‌تواند داور مهمی نسبت به محتوای این روایات باشد؛ اما در گزاره‌های انشائی، بین حجیت خبر واحد برای استخراج احکام فقهی و احکام تربیتی تفاوت چندانی وجود ندارد. قدر متیقن از حجیت خبر واحد در مباحث اخلاقی،

استفاده از خبر واحد برای استنباط احکام اخلاقی است هرچند که اگر مبنای وثوق به صدور پذیرفته شود؛ روایات فاقد سند نیز برای گزاره‌های انشایی بلکه گزاره‌های توصیفی، قابل استفاده خواهند بود. (داودی و حبیبی ۱۳۹۴)

عرب صالحی در مقاله‌ای اعتبار خبر واحد در علوم انسانی را بررسی کرده است. او بین حجیت به معنای اینکه گزاره‌های دینی ارزش صدق و ارزش معرفتی داشته باشند با حجیت به معنای اصولی آن که لزوم التزام به محتوای کلام باشد؛ فرق می‌گذارد. سپس حجیت به معنای اول را مورد اتفاق همه بیان می‌کند و معتقد است که اگرچه برخی از علماء سعی کرده‌اند تا اعتبار خبر واحد به همان معنای اصولی‌اش را در تفسیر و کلام هم ثابت کنند ولی ادله آن‌ها مخدوش می‌باشد. البته این مطلب را متذکر می‌شود که از نظر برخی، حجیت اخبار تفسیری و معارفی ثمره عملی دارد و آن ثمره، استناد مضمون خبر به معصوم است و همین موضوع برای استناد گزاره‌های علوم انسانی به دین مؤثر است. در نهایت او نتیجه می‌گیرد که هرچند در تدوین یک نظام علمی، رسیدن به علم مطلوب است اما شرط لازم نیست و هر علمی در عمل با فرضیات و نظریاتی شروع می‌شود که قطعی نیستند؛ بنابراین ارائه فرضیات و تدوین یک علم بر اساس تبدیل این فرضیه‌ها به نظریه، از عهده‌ی گزاره‌های دینی نیز برمی‌آید. (عرب صالحی ۱۳۹۳)

ذاکری و خدابخشیان علوم انسانی اسلامی را بر مبنای زبان دین امکان‌سنجی کرده‌اند. آن‌ها مباحث مربوط به تولید علم دینی را به دو عرصه تقسیم می‌کنند: ساحت «علم شناختی» و ساحت «دین شناختی». سپس ویژگی‌های زبان دین را به عنوان یکی از مباحث مرتبط با ساحت دین شناختی بررسی کرده‌اند. ویژگی‌هایی از زبان دین اسلام که با وجود آن‌ها، امکان اینکه دین به مباحث علوم انسانی اسلامی ورود کند؛ فراهم می‌شود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از معناداری، (زبان دین اسلام زبانی است معنادار؛ مهمل یا مبهم نیست. این معناداری تنها ناظر به معنای مفردات به کاررفته در این زبان نیست؛ بلکه افزون بر مفردات، گزاره‌ها و جملات نیز دارای

معنا هستند و حقایقی را به مخاطبان خود منتقل می‌کنند. (شناختاری (زبان دین اسلام، ناظر به واقع و معرفت بخش است؛ جهان خارج را حکایت می‌کند؛ بیانات آن شامل مبدأ، معاد و واقعیات اموری است که انسان در زندگی روزمره خویش به آن نیازمند است. از این ویژگی زبان دین اسلام، به «شناختاری» بودن نیز تعبیر می‌شود.) و انعطاف در نوع بیان (زبان دین اسلام به تناسب مخاطبان و با در نظر داشتن سطح فهم ایشان از زبان تمثیل و نماد در بیان حقیقت، سود جسته است. ولی برخورداری از این ویژگی موجب شده تا بیانات آن به بیاناتی صرفاً تمثیلی یا نمادین فروکاسته شود، بلکه کاربرد بجا و مناسب هر یک، به این زبان قابلیت و انعطافی ویژه در انتقال محتوای مورد نظر به مخاطب داده است.) که هر سه ویژگی را زبان دین اسلام دارا می‌باشد. البته آن‌ها متذکر می‌شوند که بنای علم دینی، فقط بر ساحات «علم شناختی» و «دین شناختی» ساخته نشده است بلکه مبانی «هستی شناختی»، «انسان شناختی»، «معرفت شناختی» و «روش شناختی» همگی از مبانی مطرح در یک علم دینی هستند که اثرگذاری دین روی هر یک از آن‌ها، می‌تواند منجر به امکان تدوین علم دینی از منظر آن مبنا بشود اما این به علت نبود مجال، این مبانی در مقاله آن‌ها بررسی نشده است. در این مقاله دیدگاه‌های «تجربه‌گرایان»، «بازی‌های زبانی»، «کارکرد گریان» و «ظاهر گریان» به عنوان مخالفین توانایی زبان دین در بیان علم دینی مطرح شده و سپس نقد گردیده است. (ذاکری و خدا بخشیان ۱۳۹۳) تحقیقات ذاکری و خدا بخشیان با در نظر گرفتن معنای جدیدی که پیش از این (اشاره شده در تاریخچه و تحقیقات عرب صالحی: حجیت به معنای داشتن ارزش معرفتی نه به معنای التزام به محتوای کلام) برای حجیت خبر واحد بیان شد؛ می‌تواند ارتباط وثیقی با مسئله‌ای مقاله پیش رو برقرار کند.

به عنوان تاریخچه‌ی بحث می‌توان علاوه بر مقالات کار شده در این زمینه، به دو کتاب

اعتبار خبر واحد در اعتقادات و علوم انسانی و علم دینی از چپستی تا چگونگی اشاره کرد.

تحلیل مسئله

همان‌طور که اشاره شد مسئله اصلی این مقاله، بررسی ماهیت خبر واحد و ظرفیت آن برای تدوین علوم انسانی اسلامی می‌باشد. از آنجا که بحث از حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام، هم‌سنخ با بحث حجیت خبر واحد در علوم انسانی دانسته شده است؛ تاریخچه‌ی حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام و حجیت خبر واحد در علوم انسانی مرور شد. برای معتبر بودن خبر واحد در چنین معارفی آنچه اهمیت دارد؛ کاشفیت این اخبار می‌باشد. لذا بحث از حجیت خبر واحد در این معارف باید به معنای واقع‌نمایی و کشف از واقع باشد. این معنا برای حجیت خبر واحد، با اصطلاح اصولی آن که به معنای منجزیت و معذرت در نظر گرفته شده است؛ متفاوت است. این تفاوت معنا نکته‌حائزی اهمیتی است که غفلت از آن باعث می‌شود تا اعتبار خبر در علوم انسانی، مورد تردید قرار بگیرد.

به عبارت دیگر، برخی از ادله‌ای که برای اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر و کلام اقامه شده است تلاش برای اثبات منجزیت و معذرت آن‌ها در این علوم بوده است درحالی که نکته‌حائز اهمیت در این معارف، کاشفیت خبر واحد است نه منجزیت و معذرت. در ادامه به برخی از این استدلال‌ها اشاره خواهد شد و در نهایت نظر نگارنده بیان خواهد شد.

ادله مخالفین

عمده دلیل کسانی که حجیت خبر واحد را در امور غیر فقهی رد می‌کنند آن است که تعبد در امور غیر فقهی مانند تفسیر و کلام معنا ندارد چرا که این امور مرتبط با واقع هستند و لذا تعبد در امور تکوینی امری ناصحیح است. استدلال مخالفین را می‌توان با دو بیان مطرح کرد:

بیان اول: خبر واحد از ادله ظنی است و برای اعتبار خود نیازمند به جعل حجیت می‌باشد. جعل حجیت تنها در اموری فایده دارد که دارای اثر شرعی باشد که این امر فقط منحصر در امور

فقهی است بنابراین خبر واحد در امور تکوینی که فاقد اثر شرعی هستند حجت نمی‌باشد لذا امکان ندارد که چیزی در امور تکوینی نازل منزله قطع بشود. علامه طباطبایی (طباطبایی ۱۳۸۸، ۸۵-۸۶؛ طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۰: ۳۵۱) و آیت‌الله محمدتقی بروجردی نجفی بیانی نزدیک به این مطلب را می‌آورند. (محمدی ۱۳۹۷)

بیان دوم: کسی که به روایات تفسیری و اعتقادی رجوع می‌کند به دنبال کشف حقیقت است نه انجام عمل عبادی. کشف حقیقت و رسیدن به اعتقادات با تعبّد به دست نمی‌آید بلکه باید مقدمات رسیدن به اعتقاد طی شود درحالی که دلیل حجیت خبر واحد، مکلف را متعبد به پذیرش مفاد خبر می‌کند که این نوع اعتباربخشی به خبر، با امور اعتقادی سازگاری ندارد پس می‌توان گفت که اعتبار خبر واحد در امور تکوینی محال است. آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی (جوادی آملی ۱۳۸۹، ۲: ۱۲۷؛ جوادی آملی ۱۳۸۸، ۹: ۳۵۳) به این بیان نزدیک می‌باشند. (محمدی ۱۳۹۷)

نقد: اصل این مطلب که دامنه‌ی حجیت خبر واحد، محدود به امور تعبّدی باشد مورد مناقشه است چه اینکه موافقین اعتبار خبر در امور تکوینی با استناد به ادله‌ای، ملاک اعتبار را اعم از امور تعبّدی بیان می‌کنند ولی فارغ از این مطلب می‌توان گفت که مخالفین، حجیت را به معنای تعبّد به مفاد خبر یا به عبارت دیگر، منجزیت و معذرت در نظر گرفته‌اند، لذا ادله حجیت خبر را صرفاً در اموری مناسب می‌دانند که تعبّد در آنها معنا داشته باشد. درحالی که طبق بیان دوم، مقصود اصلی از رجوع به چنین اخباری، کشف از واقع است و می‌توان گفت که این اخبار ذاتاً کاشف ظنی از واقع هستند؛ بنابراین اگر استدلال مخالفین را در مدعای خود تمام بدانیم بازهم خدشه‌ای به اعتبار خبر واحد به معنای قابلیت کشف وارد نمی‌شود بلکه مسیر استدلال برای رد و تأیید اعتبار خبر به این معنا، به کلی متفاوت خواهد بود.

ادله موافقین

در طرف مقابل، موافقین تلاش کرده‌اند تا اثبات کنند که ملاک اعتبار خبر، عام بوده و شامل امور تعبدی و غیر آن می‌شود. جهت روشن تر شدن مطلب، بیان اشخاص به تفکیک آورده می‌شود:

آیت‌الله خوئی (ره): ایشان دلیل اعتبار خبر واحد را سیره عقلاً ممضاه می‌دانند و لذا قائل‌اند که عقلاً با امارات معتبر، همان برخورد علم را دارند. به عبارت دیگر ایشان امارت را یکی از افراد علم می‌دانند و همه آثار علم را بر آن بار می‌کنند مثلاً عقلاً بر اساس خبر ثقه، اخبار می‌دهند و این کار را قول بدون علم به حساب نمی‌آورد. در نظر ایشان، حجیت امارات به معنای آن است که امارات، نازل منزله‌ی علم شده باشند و شاهد این مطلب را اماره ید بیان می‌کنند. چرا که عقلاً بر اساس ید، حکم به ملکیت صاحب ید می‌کنند و توجهی ندارند که حکم آن‌ها بر اساس علم وجدانی نیست بلکه بر اساس علم تعبدی است و در عین حال کسی بر آن‌ها خورده نمی‌گیرد. (عرب صالحی ۱۳۹۳)

آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره): ایشان فرقی بین حجیت خبر واحد در احکام و تفسیر قائل نمی‌شوند چرا که معتقدند ملاک حجیت خبر واحد در هر دو مقام وجود دارد. اگر مدرک حجیت خبر واحد، سیره عقلاً ممضاه باشد نکته‌ی مرکوزه در عمل به خبر ثقه، فقط محدود به مواردی نیست که اثر عملی بر آن خبر مترتب بشود. بلکه معامله عقلاً با خبر واحد معامله‌ی قطع است و حتی اگر اثر عملی (حکم شرعی) بر خبر ثقه مترتب نشود، باز هم اخبار به آن را صحیح می‌دانند. همچنین است اگر مدرک حجیت خبر، آیات یا روایات باشد. چرا که در هیچ دلیلی، عنوان حجیت و مشابه آن اخذ نشده است تا به منجزیت و معذرت تفسیر شود و در نتیجه اعتبار آن محدود به احکام شرعی بشود. البته باید پذیرفت که اعتبار خبر واحد مخصوص به مواردی است که مرتبط با شارع باشد ولی این مسئله باعث نمی‌شود که از مقام بحث خارج بشویم چرا

که آیات مربوط به احکام، مواعظ، نصایح و قصص و ... همگی از امور مرتبط با شارع می‌باشند و می‌توان به خداوند نسبت داد که خداوند در مورد حضرت عیسی (ع) خبر داده‌اند که ایشان کشته نشده‌اند. (فاضل موحدی لنکرانی، بی تا، ۱: ۱۷۴ تا ۱۷۵)

آیت‌الله معرفت (ره): ایشان دلیل حجیت خبر واحد را مطلق می‌دانند و اعتبار خبر ثقه را تعبیدی نمی‌دانند بلکه معتقدند که خبر ثقه از دید عقلا جنبه کاشفیت ذاتی دارد و لذا عقلا با خبر واحد، مانند واقع معلوم رفتار می‌کنند و شارع متعال هم این مطلب را تأیید کرده است؛ بنابراین اعتبار خبر ثقه مخصوص به احکام نیست و جنبه تعبیدی ندارد بلکه اعتبار آن شامل همه‌ی مواردی است که عقلا آن را پذیرفته باشند. (معرفت ۱۳۸۰)

نقد: همان‌طور که در رابطه با ادله‌ی مخالفین بیان شد؛ اصل اینکه حدود حجیت خبر واحد چه میزان باشد مورد مناقشه است اما در فرض پذیرش استدلال موافقین، می‌توان گفت که: از ظاهر کلام آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره) برداشت می‌شود که عمومیت ملاک اعتبار، تنها باعث جواز استناد به شارع خواهد بود؛ یعنی نه تنها بر اساس ادله ظنی می‌توان یک حکم شرعی را به شارع نسبت داد بلکه مواعظ، حکایات و تفاسیر وارده بر اساس اخبار ظنی را هم می‌توان به شارع نسبت داد و این برای اثبات اعتبار خبر واحد به معنای کشف از واقع کافی نیست. به نظر می‌رسد همین اشکال به استدلال آیت‌الله خویی (ره) نیز وارد باشد چرا که ایشان برای سیره عقلا دو مثال بیان کرده‌اند و در هر دو مثال به این مطلب استناد می‌کنند که خبر دادن بر اساس قول ثقه، کار مذمومی در نظر عقلا نیست.

اگرچه استدلال موافقین برای اثبات حجیت خبر واحد به معنای کاشفیت و واقع‌نمایی کافی نیست اما اگر این استدلال‌ها برای مدعی مدنظر آن‌ها مورد پذیرش واقع شود؛ می‌تواند مجوز استناد علوم اسلامی به شارع را ثابت کند. گفتنی است که استدلال آیت‌الله معرفت مناسبت بیشتری با اثبات مدعی پژوهش حاضر دارد چرا که ایشان برای اثبات حجیت خبر در تفسیر، به

جنبه کاشفیت ذاتی خبر اشاره می‌کنند و حدود اعتبار آن را مشتمل بر هر چیزی که عقلا آن را پذیرفته باشند؛ می‌دانند.

نظر مختار

آنچه برای اعتبار خبر در علوم اسلامی مورد اهمیت می‌باشد در دو مقام قابل بررسی است:

اول آنکه حجیت را به معنای منجزیت و معذرت دانست و سپس به دنبال اثبات مجوزی بود که بتوان بر اساس آن، علوم استنباط شده از منابع اسلامی را به خداوند متعال و اسلام نسبت داد. این موضوع، خارج از مسئله مورد مطالعه می‌باشد اما برای این منظور می‌توان از ادله‌ای موافقین که در بالا نقل شده است بهره جست.

دوم آنکه با دید واقع‌نمایی، اعتبار خبر واحد سنجیده شود تا بتوان قابلیت خبر واحد را برای بیان یک علم ثابت کرد. اگر از این منظر به خبر واحد نگاه شود، قابلیت‌های خبر واحد گویای اعتبار بالای آن در بیان یک علم می‌باشند چرا که:

خبر کاشف ظنی از واقع است و می‌توان بالوجدان یافت که حکایت گری، از ویژگی‌های ذاتی خبر است.

علم اجمالی به اینکه بسیاری از اخبار، مطابق با واقع هستند؛ احتمال تطابق علوم اسلامی با واقع را افزایش می‌دهد. در مفروضات مسئله بیان شد که وجود گزاره‌های کافی برای بیان یک علم را به عنوان اصول موضوعه در نظر گرفته شده است.

بسیاری از این اخبار قابلیت صحت سنجی را دارند.

روش عرفی در بیان مقاصد، باعث شده است تا اکثر قریب به اتفاق این اخبار قابل فهم

باشد.

تعلیل‌هایی که در بسیاری از اخبار وجود دارد می‌تواند در فهم ملاکات علوم و مبانی یک علم بسیار کارگشا باشد. اگرچه که برای کشف صحیح این ملاکات، نیاز به تخصص و روش اجتهادی می‌باشد.

روش عقلا در تدوین علوم انسانی آن است که اولاً به دنبال گزاره‌های قطعی می‌گردند و در صورت نبود چنین گزاره‌هایی، با استفاده از گزاره‌های ظنی به بیان فرضیه می‌پردازند بلکه می‌توان گفت که در مقام عمل، بیشتر فرضیه‌های مورد استفاده عقلا یقینی نیستند از این رو بر اساس روش‌های مناسب با هر علم، آن فرضیه را صحت سنجی می‌کنند. (عرب صالحی ۱۳۹۳) روشن است که خبر واحد اگرچه ظنی می‌باشد اما نسبت به سایر گزاره‌های ظنی بشری از احتمال بیشتری برای اصابه به واقع برخوردارند چرا که منشاء این اخبار به وحی متصل است و همچنین علم اجمالی وجود دارد که بسیاری از این اخبار مطابق با واقع هستند؛ بنابراین اگر گزاره‌های ظنی بشری برای ارائه فرضیه و سپس تبدیل آن فرضیه به نظریه کارایی دارند؛ گزاره‌هایی و حیانی به خاطر ویژگی‌های ذکر شده راه سریع‌تر و واقعی‌تری برای تدوین یک علم می‌باشند.

بنابراین اگر با دید واقع‌نمایی به خبر نگاه شود؛ مجموع ویژگی‌های فوق حاکی از اعتبار بالای آن در بیان یک علم و کشف از آن می‌باشد و نبود گزاره‌های قطعی الصدور در میان خبرهای واحد، مانعی از این امر نیست چه اینکه می‌توان از این روایات فرضیه‌های متعددی را برداشت کرد که در کل احتمال اصابه به واقع آن‌ها بیشتر از سایر فرضیه‌های بشری است سپس از طریق روش‌های معتبر در آن علم، به آزمایش و صحت سنجی آن پرداخت.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که از مباحث گذشته معلوم شد، از دو منظر می‌توان به بررسی اعتبار خبر واحد پرداخت. اول این که از منظر حجیت اصولی برای اعتبار خبر واحد در علوم انسانی استدلال آورده

شود. در این مورد بیان شد که بررسی این جنبه از اعتبار خبر واحد بی ثمره نخواهد بود چرا که اگر این ادله مورد پذیرش واقع شود؛ مسئله استناد علمی اسلامی؛ به خداوند متعال حل خواهد شد.

دوم اینکه اعتبار خبر واحد در بیان علوم، از منظر کاشفیت آن بررسی شود. در این مقام نیز ویژگی‌های خبر واحد بررسی شد. برخی از این ویژگی‌ها مربوط به ذات خبر واحد می‌باشد مانند کاشفیت و قابلیت صحت سنجی و برخی دیگر مربوط به خبرهای موجود در شریعت اسلام مانند روش عرفی در بیان مقاصد، وجود تعلیل‌ها، علم اجمالی به تطابق و وحیانی بودن اخبار که مجموع این ویژگی‌ها بیانگر اعتبار بالا خبر واحد در بیان علوم می‌باشد.

پیشنادهای تحقیقاتی

به نظر می‌رسد برخی از مسائل دیگر که مرتبط با خبر واحد هستند؛ در امکان تدوین علوم اسلامی تأثیرگذار باشند و هریک از این عوامل می‌تواند مسئله‌ای برای یک تحقیق مجزا قرار بگیرد. در ادامه به صورت مختصر به طرح بحث پرداخته می‌شود:

نسبت دعاوی جعل روایت با علوم انسانی چگونه است؟ اگر دعاوی جعل روایات با علوم انسانی سنجیده شود؛ آیا این دعاوی در گزاره‌هایی که مرتبط با علوم انسانی هستند راه دارند یا خیر؟ و آیا این مسئله باعث می‌شود که امکان تدوین یک علم کاهش پیدا کند یا اینکه به خاطر نبودن یا کم بودن دعاوی جعل در چنین روایاتی، امکان تدوین علم انسانی اسلامی بیشتر از آن چیزی می‌شود که پیش از بررسی به ذهن می‌رسد؟

آیا نقل خبر با واسطه‌های زیاد، باعث مخدوش شدن حیثیت کشف از واقع و تطابق آن خبر با واقع نخواهد بود؟ آیا این مسئله آنقدر مشکل‌ساز نخواهد بود که به کلی امکان تدوین یک علم را منتفی کند؟ چه اینکه برخی آزمایش‌های تجربی، گویای آن است که وجود

واسطه‌های زیاد در نقل خبر، باعث تغییر در معنای اولیه‌ای می‌شود که متکلم آن را بیان کرده است. اگرچه ممکن است رخ دادن این تغییر معنا مشکلی در فقه ایجاد نکند چرا که حجیت در آن به معنای منجزیت و معذرت است و عمل به همین اخبار، مکلف را برئ الذمه می‌کند اما رخ دادن این مسئله، مشکل بزرگی برای تدوین یک علم است چرا که اعتبار خبر در تدوین علوم به معنای واقع‌نمایی است و این مسئله واقع‌نمایی خبر واحد را به شدت کاهش خواهد داد. در طرف مقابل باید بررسی شود که آیا دلیلی بر صیانت معارف اسلامی از چنین اتفاقی وجود دارد یا خیر؟ آیا اجازه نقل به معنا که از حضرات معصومین (ع) صادر شده است؛ باعث دقت در انتقال مفاهیم به نسل حاضر می‌شود یا آنکه تطابق با واقع و کشف از واقع را دچار مشکل جدی می‌کند؟ همچنین سؤالاتی مشابه با سؤالات مطرح شده در مورد واسطه‌های زیاد، در رابطه با نقل به معنا نیز مطرح می‌باشد.

فهرست منابع

۱. تهانوی، محمد علی بن علی. ۱۹۹۶. موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم. عبد الله خالدی، رفیق عجم، جورج زیناتی، و علی فرید دحروج. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. تفسیر تسنیم جلد دوم. قم: اسراء.
۳. ————. ۱۳۸۸. تفسیر تسنیم جلد نهم. قم: اسراء.
۴. حیدری، محمد فواد. ۱۳۹۷. «مروری انتقادی بر آراء موافق و مخالف علوم انسانی اسلامی». مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی ۱۵ (۳): ۲۵۳-۲۶۰.
۵. داودی، محمد، و رضا حبیبی. ۱۳۹۴. «حجیت خبر واحد و کاربرد آن در استنباط نظام اخلاقی و تربیتی اسلام و گزاره های آن». پژوهش نامه اخلاق ۲۷ (۸): ۴۹-۶۶.

۶. ذاکری، مهدی، و حمید خدا بخشیان. ۱۳۹۳. «امکان سنجی علوم انسانی اسلامی بر مبنای زبان دین». قیسات ۷۳ (۱۹): ۱۰۳-۱۳۴.
۷. رضایی، غلامرضا، و یحیی گوهری بخشایش. ۱۳۹۲. «اعتبار سنجی خبر واحد در عقائد دینی». کلام اسلامی ۸۵ (۲۲): ۵۹-۸۰.
۸. شاکرین، حمید رضا. ۱۳۹۴. «بررسی انتقادی دیدگاه شیخ محمد سند درباره ی حجیت خبر واحد در عقاید». قیسات ۷۷ (۲۰): ۴۹-۶۶.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. ————. ۱۳۸۸. شیعه در اسلام. قم: بوستان کتاب.
۱۱. عرب صالحی، محمد. ۱۳۹۳. «اعتبار خبر واحد در علوم انسانی». ذهن ۵۷ (۱۵): ۳۵-۶۰.
۱۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. بی تا. مدخل التفسیر. ج. ۱. تهران - ایران: مطبعه الحیدری.
۱۳. محمدی، عبدالله. ۱۳۹۷. اعتبار خبر واحد در اعتقادات و علوم انسانی. حوزه علمیه قم. قم: موسسه بوستان کتاب.
۱۴. ————. ۱۳۹۴. «اعتبار خبر واحد در تفسیر و اعتقادات از منظر علامه طباطبایی». اندیشه نوین دینی ۴۳ (۱۱): ۴۵-۶۴.
۱۵. معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۰. «کاربرد حدیث در تفسیر». مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش اول: ۱۴۲-۱۴۶.